

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله

ساختارگرایی و شهر: مزایا و معایب

کیارش کاظمی^{1*}، میلاد تفنگچی مهبیاری²، شیدا سلیمان دهکردی³ کیان کاظمی⁴

1- دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه تهران، ایران. kazemi.kiarash@ut.ac.ir

2- دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، ایران. m.tofangchi@sbu.ac.ir

3- دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه تهران، ایران. sheida.soleyman@ut.ac.ir

4- دانشجوی کارشناسی شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، ایران. kazemikian@ymail.com

چکیده

ساختارگرایی نهضتی است که ریشه در زبان شناسی و ادبیات دارد. این نهضت ادبی در اواخر دهه 1950 میلادی با تشکیل کنگره دهم سیام و به نوعی در پاسخ به معماری تجدد در طراحی شهرها عملاً به شهرسازی راه پیدا کرد و در پی آن نشست اتزلو، با حضور شهرسازان و معمارانی از اغلب نقاط جهان نقطه عطفی در پیشگامی این نهضت در شهرسازی در دهه 1960 میلادی شد. این نهضت با تقسیم شهر به دو بخش اصلی و فرعی در پی پاسخ به گسترش شهر برآمد. این پژوهش، ابتدا به بررسی فلسفه ساختارگرایی پرداخته و پس از بیان ویژگی های این نهضت در شهر، مزایا و معایب ساختارگرایی را در شهر بررسی می کند.

واژه های کلیدی: ساختارگرایی، شهر، مزایا، معایب

مقدمه

ریشه ساختارگرایی را به نوعی می توان در زبان شناسی یافت اما تاریخ آغاز این نهضت را می توان کنگره دهم سیام نامید. در این کنگره گروهی مرکب از معماران جوان، که بعدها گروه 10 نامیده شدند، با همکاری رهبران قدیمی، مقدمات این کنگره را پدید آوردند؛ رهبری این کنگره به جی.بی. باکما سپرده شد. کنگره دهم در شهر ساحلی دوبرونیک، در جنوب یوگوسلاوی تشکیل شد. در این کنگره، تمام رهبران قدیمی سیام استعفا دادند. همچنین پیشنهاد شد که نام سیام منسوخ گردیده و رهبران جدید، موسسه ای تازه را پایه ریزی کنند که البته این پیشنهاد نیز پذیرفته نشد (گیدئون 1965 به نقل از بحرینی، 1389: 171).

به نوعی می توان گفت که ساختارگرایی در تقابل با اندیشه های مدرن به وجود آمده است اما دید هجران زده نیز به گذشته ندارد. در اوایل دهه 1950م، آلیسون و پیتر اسمیتسون، با طرح «تجدد سفید»، «نوبروتالیسم» را پایه گذاری کردند. این نهضت، با معماری بوم گرای انگلیسی که پس از جنگ جهانی شکل گرفته بود مخالفت کرده و نقطه نظرات جدیدی را در تضاد با تحکیمات عملکردگرایی، در زمینه تولید هنجارهای جهانی، بیان کرد (Klots 1988 به نقل از بحرینی، 1389: 173). بعدها بروتالیست ها با یک گروه کوچک اروپایی و چند معمار آمریکایی ترکیب شده و گروه 10 را تشکیل دادند. خالی از لطف نیست بیان این مسأله که بروتالیسم شاخه ای از معماری تجدد است که به پیروی از این نوع معماری، دارای دو ویژگی اصلی است:

1. توجه به ماهیت مصالح ساختمانی: بر پایه تفکرات تجددگرا، استفاده از هر نوع تزیینات، نوعی کهنه پرستی و ظاهر سازی به شمار می رفت. بر این اساس مصالح ساختمانی به صورت طبیعی به کار گرفته می شد.
 2. نمایاندن نقش عوامل ساختمانی: تجددگرایان و در ادامه بروتالیسم ها، صداقت و اخلاق در معماری را به معنای آشکار گذاشتن عوامل ساختمانی و تأکید بر آن ها تعبیر می کردند (بحرینی، 1389: 172)
- ساخته شدن گروه 10 تلفیق نظر «نوبروتالیست ها» و کسانی مثل آلدو ون ایک را در پی داشت. در ادامه نشست «اترلو» را می توان نقطه عطف نهضت نامید.
- در این کنگره چهل و سه نفر از بیست کشور به دعوت تعدادی از اعضای گروه 10 در موزه کرولر مولر اثر هنری وان دو ولده گرد هم آمدند و در مورد پروژه های مختلف بحث و برای رسیدن به ایده مناسب، عقاید خود را با یکدیگر به اشتراک گذاشتند. در این نشست کنزو تانگه از طرح توکیو سیتی هال خود رونمایی کرد (URL1) و این آغازی برای تبلور تفکر ساختارگرایی در قالب متابولیزم در شرق دور شد.

1) پایه فلسفی ساختارگرایی

ساختارگرایان معتقدند رویدادها و فرایندهای غیرمرتبط و غیرقابل توجیه را می توان با ارجاع آنها به یک نظام رسمی روابط قابل درک ساخت. فرایند کشف نظامی از روابط که به وسیله آن بتوان مجموعه ای اساسی از عوامل را مجزا یا مشخص کرد، بر پایه یک روش تحلیل جدید، قابل پیش بینی است که از مطالعه زبان و ریاضیات برگرفته شده است. به طور خلاصه، این روش شامل تعریف پدیده های اجتماعی به عنوان روابط بین اجزاء، شکل گیری مجموعه ای مکمل از جابجایی ها بین این اجزا و تحلیل روابط واقعی آنهاست (Levi-Strauss, 1969: 84). کلود لوی استراوس نیز از پیشگامان درگر ساختارگرایی است که ساختارگرایی را در انسان شناسی مطرح می کند و علم را به دو بخش ساختارگرا و تقلیل گرا تقسیم کرده است. آلتوسر نیز سه دیدگاه اساسی در بعد کلان ساختارگرایی به شرح زیر بیان کرده است:

ساخت ها عاملین اصلی کنش: اصولاً مارکسیست های ساختارگرا به آثار فکری پیری مارکس عنایت دارند و ساختارها را به عنوان کارگزار اصلی و افراد را به عنوان کارگزار ساختار مطرح می نمایند. آلتوسر با تأکید بر ساختارها، این واقعیت را که کنشگران را همین ساختارها تعیین می کنند، چنین ترسیم می کند: «ساختار روابط تولیدی، جایگاه ها و کارکردهائی را که عاملان تولید

اشغال می‌کنند و می‌پذیرند تعیین می‌کنند.» این تولیدکنندگان چیزی نیستند جز اشغال‌کنندگان این جایگاه‌ها و تا زمانی که از عهده کارکردهای تولیدی‌شان برآیند این جایگاه‌ها را در اختیار دارند. پس عاملان راستین (به معنای عاملان سازنده فراگرد تولیدی)، نه این اشغال‌کنندگان جایگاه‌های تولید یا مجریان کارکردها، بلکه روابط تولیدی (و روابط اجتماعی، سیاسی یا ایدئولوژیک) می‌باشند (ریترز، 2003: 217-218).

استقلال نسبی ساخت‌ها و ردّ جبرگرائی اقتصادی تقلیل‌گرایانه: مارکسیست‌های کلاسیک اقتصاد را مقوله‌ای تلقی می‌کردند که نفوذ علی، خطی و ساده به همه چیزهای دیگر اعمال می‌کرد، در صورتی که آلتوسر سطوح سیاسی و ایدئولوژیک را صرفاً محصول سطح اقتصادی نمی‌داند. یان کرایب مثالی در این باره می‌زند که کارگشا است او می‌گوید می‌توان به روابط میان طبقات یک ساختمان چندطبقه نگاهی بیاندازیم، اما معنا ندارد که بگوییم طبقه همکف علت به‌وجود آمدن طبقات اول و دوم بوده است، زیرا با اینکه این طبقات روی همکف قرار گرفته‌اند و با آن نوعی رابطه وابستگی دارند هر یک از آن‌ها از طبقات پایین و بالا مجزا هستند و آنچه در یک طبقه می‌گذرد به‌وسیله طبقه پایین‌تر تعیین نمی‌شود. این مثال به این منظور است که سطوح سیاسی و ایدئولوژیک نه کاملاً وابسته به سطح اقتصاد و نه کاملاً مستقل از آن هستند. هر یک از آن‌ها موجودیت واقعی خاص خود را دارند، به شیوه‌های گوناگون به‌یکدیگر وابسته‌اند. دوسویه بودن فرایندهای علمی، یعنی تاثیرگذاری سطوح سیاسی و ایدئولوژیک نیز بر سطح اقتصادی از دیگر نظریات مهم آلتوسر است (کرایب، 1992: 201-202).

اقتصاد، عامل تعیین‌کننده نه لزوماً مسلط: یکی از راه‌های فاصله گرفتن آلتوسر از مارکسیسم خام، ضمن دفاع از اندیشه اهمیت علی سطح اقتصادی، طرح این بحث است که انواع مختلف جامعه، با تفرق سطوح ساختاری مختلف، مشخص می‌شوند. منظور او از این بحث آن است که در تکامل درونی روزمره یک جامعه، یک سطح یا سطوح به‌خصوص، بیشترین اهمیت را دارند. در جوامع فئودالی، سطوح سیاسی و ایدئولوژیک غالب است. بعضی‌ها بر این نظرند که در جوامع سرمایه‌داری متأخر سطح سیاسی غالب است. به هر روی، این ساختار سطح اقتصادی است که تعیین می‌کند کدام سطح، از جمله سطح اقتصادی، غالب باشد. ماجرا به این صورت است که گویی سطح اقتصادی قدرت خود را به سطوح دیگر تفویض می‌کند، یا آن را برای خود نگاه می‌دارد تا آن نوع از جامعه همچنان تداوم پیدا کند (کرایب، 1992: 198).

2) روش طراحی

در حالت کلی ساختارگرایان، شهر را به دو بخش اصلی و فرعی دسته‌بندی می‌کردند و به نیروهای تاثیرگذار در ایجاد فرم و استخوانبندی شهر توجه فراوان داشتند. بنابراین روش کلی طراحی آنان، تقسیم شهر به دو بخش اصلی و فرعی و قرار گرفتن کاربری‌های اصلی و طولانی مدت در کنار استخوانبندی یا بخش اصلی (شکل دهی) و قرار گرفتن کاربری‌های محلی و مناطق مسکونی توسط مردم و با نظارت ضوابط (شکل‌گیری) است. در این میان چیدمان نشانه‌ها و مراکز و کشش و تنش میان آن‌ها و نیروها نقش اساسی در چگونگی فرم شهر دارند.

ساختارگرایان شهرهای ابتدایی را به مثابه آمیب می‌دانستند که با تکثیر سلولی گسترش می‌یابد. اما وقتی این سلول‌ها از حدی بیشتر گسترش یابند، نیاز به یک ساختار و استخوانبندی که به آن‌ها سازمان دهد شکل می‌گیرد. در شهر کاربری‌ها با ماندگاری بیشتر پیرامون این ساختار قرار می‌گیرند و کاربری‌های محلی و کاربری‌هایی که دامنه تغییرات آن‌ها بیشتر است در قسمت فرعی قرار می‌گیرند.

در حالت کلی می‌توان ساختار اصلی و ساختار فرعی را به عنوان عناصر تشکیل دهنده فرم شهر ساختارگرایان در نظر گرفت. در این میان ساختار اصلی را می‌توان شامل الگوها و دسترس‌های اصلی (استخوانبندی) و ساختار فرعی را شامل الگوها و دسترس‌های فرعی (نظیر محلات) دانست.

شبکه راه‌ها هم از نظر عملکرد و هم از نظر روانشناختی اهمیت دارد چراکه در هنگام تفریح و زمان اوقات فراقت امکان گشت و گذار در آن‌ها وجود دارد. بنابراین برای تحقق این امر دو راهکار مشخص وجود دارد:

- شبکه اصلی راه های سواره، دسترسی به حومه ها و سواحل دریا را فراهم کند.
 - شبکه حمل و نقل عمومی، دسترسی به حومه ها و سواحل را ممکن می سازد (Smithson 1974) به نقل از بحرینی 1389 : 185).

می توان گفت دو کاربری دسترسی و مسکونی از مهم ترین کاربری ها در این نهضت هستند. دسترسی در این نهضت در کنار الگوهای اصلی نقش استخوانبندی و اسکلت شهر را بازی می کند و می تواند یادآور لحظات خوب و بد و خاطرانگیز شهروندان باشد و محلات مسکونی به عنوان مأمونی جهت آسایش و القای آزادی برای شهروندان نقش بازی می کند. در کنار نقش مهم این دو کاربری، اختلاط کاربری نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است. اختلاط کاربری و تنوع در فرم در ساختار شهر در عین وحدت و تأکید بر کاربری خاص در مقاطع گوناگون، موجب هویتمندی و در عین حال تنوع و سرزندگی در ساخت اصلی شهر می شود.

در تقسیم شهر به دو بخش اصلی و فرعی، بخش اصلی را طراح طراحی می کند و فرآیند شکل دهی صورت می پذیرد. در این بین طراح با مسئولیت اجتماعی خود و با شناخت درست از مردمان شهر، ساختار اصلی را طراحی می کند. بخش فرعی را مردمان شهر با نظارت ضوابط خود می سازند و فرآیند شکل گیری رخ می دهد و با توجه به این امر که مردم خود خانه های خود را می سازند، حس تعلق بیشتری به خانه و محله خود خواهند داشت.
 ساختارگرایان را می توان به دو نهضت تیم تن و متابولیسم تقسیم کرد.

فان آیک و دیگر ساختارگرایان هلندی، بر خلاف ساختارگرایان ژاپنی-متابولیسم ها- که برای ساختار، مفهومی سایبرنتیک قائل بودند، بیشتر به دنبال شناخت رفتارهای طبیعی انسان رفته و برای ساختار، مفهومی انسان شناختی در نظر می گرفتند. آنان با باور به اینکه رفتارهای انسان را از پیش نمی توان پیش بینی کرد. می کوشیدند تا دانش روانشناسی ساختار را که ویلیام دیلتهای ارائه نموده بود، در معماری پیاده کنند. به باور آن ها، انسان بر پایه نیازها و فرهنگ خود رفتار می کند. از این رو شهرها و خانه های ویژه خود را دارد. یکی از ویژگی های اندیشه آنان این است که ساکنین بتوانند بر اساس نیازهای خود خانه هایشان را تغییر دهند (Joedicke, 1990) به نقل از پاکزاد (1389). ون آیک در ارتباط با دو واژه «فضا» و «زمان» دو مفهوم «مکان» و «رویداد» را عنوان کرد و جمله معروف «از هر در و از هر پنجره، یک مکان بسازید، هر شهر و هر خانه را تبدیل به یک مکان کنید» (Luchinger, 1981: 28).

در زمینه مقیاس سکونتگاه نیز، چارچوبی سلسله مراتبی پیشنهاد می شود. این سلسله مراتب، چه در درون شهر (خانه، خیابان، محله و شهر) و چه در مقیاس کلان (روستا، شهر، منطقه، کشور) با یک سلسله مراتب عملکردی (عملکرد انسانی و نه اقتصادی) همراه است. به این ترتیب است که خلوت، محرمیت و کارکردهای خصوصی، پایین ترین سطح سلسله مراتب عملکردی را شکل می دهد (بحرینی، 1389: 189).

3) نمونه شهرهای اجرا شده مطابق اندیشه ساختارگرایان

بسیاری از شهرهای باستانی نظیر شهر تئوتیهواکان

این شهر به دو بخش فرعی و اصلی تقسیم شده است که بخش اصلی آن را خیابان مردگان شکل می دهد که هرم بزرگ خورشید را به مرکز مذهبی سیتادل متصل می کند. این شهر در دوره تمدن آزتک ها بنا شده است و تقسیم شهر به دو بخش اصلی و فرعی را حتی در زمان های دور نشان می دهد.

برازیلیا

در برازیلیا اصل ضدین مرتبط با هم، به سبب نیازهای متضاد اتومبیل و عابر پیاده، به شکلی استثنایی در معماری تحقق یافته است. برازیلیا احتمالاً تنها شهری در جهان است که از یک شاهراه به عنوان وجه مرکزی نواحی مسکونی خود استفاده کرده است (بیکن، 1376: 237).

ساختار طرح ساونا

واحد چهارضلعی مرکزی و دوازده بلوک مرتبط با آن اساس الگوی ساونا را شکل می دهند. رشد طرح ساونا تا سال 1956م. انباشت ساده واحدهای سلولی مرتبط باهم بود اما در دوره پس از این سال توده شهر در کل به چنان ابعادی رسید که تجدید ساختار شهر لازم آمد. این تجدید ساختار در نیمه دوم قرن نوزدهم با قدرتی چشمگیر به وقوع پیوست. ستون فقرات مرکزی واحد سلولی سوم از سمت چپ، به محور اصلی ساختار طراحی تبدیل شد و در دوره های بعد پارک بزرگ جدیدی به منتهی الیه جنوبی آن اضافه شد (بیکن، 1376: 220). ساختار این شهر را عواملی جدا از عوامل کالبدی، نظیر عوامل اجتماعی شکل داده است.

ساختار شهر واشینگتن

لانفان شهر واشینگتن را به نوعی مطابق کشش و تنش نیروها در دوره باروک ساخت. ایده او گونه ای بود که نطفه رشد طرح واشینگتن نقطه اتصال شهر و رودخانه باشد و تپه کاپیتول و کاخ سفید و رودخانه را به مثابه شهر های دوران باروک همانند مثلث به هم متصل کرد. بعدها مک میلان ایده جمع و جور و بسته و درون نگر را ارائه کرد که ایده غالب شهر واشینگتن شد (بیکن، 1376: 222).

کانبرا

کانبرا که توسط گریفین طراحی شد در محیطی دموکراتیک بنا شد و علاوه بر توجه به نظام های حرکتی به عوارض زیبایی هم توجه کرده و به نوعی شبکه شطرنجی استفاده شده در واشینگتن را تعدیل کرده است (بیکن، 1376: 308)

نتیجه گیری

در این بخش با توجه به موارد عنوان شده در فلسفه و روشهای طراحی و نمونه های موردی، به ذکر مزایا و معایب ساختارگرایی در شهر می پردازیم:

معایب:

- تشخیص ساختار اصلی در بسیاری از شهر های موجود دشوار است.
- تشخیص کاربری هایی که در طول زمان ثابت می مانند جهت حضور در ساخت اصلی دشوار است.
- جهت تحقق نیاز به قدرت اجرایی مرکز دارد که در برخی جوامع محقق نمی شود.
- ساختار اصلی نباید از بالا به پایین طراحی شود. این امر با توجه به طراحی ساخت اصلی توسط طراح امکان پذیر است.
- کنترل بخش فرعی توسط ضوابط به شدت دشوار بوده و ممکن است عملی نشود.

مزایا:

- انعطاف پذیری بالا
- صرفه جویی در وقت و هزینه با تقسیم شهر به دو بخش اصلی و غیر اصلی
- صرفه جویی در انرژی با ایجاد تراکم بالاتر در ساخت اصلی
- امکان انتقال پیام و معنای شهر و بروز هویت شهر از طریق ساخت اصلی
- امکان جلوگیری از توسعه های حومه ای نامناسب
- امکان ایجاد تصویر ذهنی مناسب از شهر و افزایش خوانایی شهر
- قرار دادن تسهیلات و تجهیزات در ساخت اصلی صرفه جویی در انرژی را به همراه دارد.
- ایجاد حس تعلق در شهروندان در کنار ارتقا کیفیت محیط شهری
- ایجاد تنوع در عین هماهنگی و وحدت در عین کثرت
- فراهم آوردن آزادی در کنار نظم و شکل دهی در کنار شکل گیری

- کاهش بار مالی بر سرمایه عمومی از طریق تقسیم شهر به دو بخش اصلی و فرعی و واگذاری بخش فرعی به بخش خصوصی و نظارت بر آن
- امکان مشارکت مردم از طریق بخش غیر اصلی فراهم می شود.
- در این نهضت هم دید سنتی و هم تجددگرا همزمان در شهر تجلی می گردند و در کنار هم زیبایی می آفرینند.

توجه به ارتباط میان عناصر و انسجام شهر و پایداری به تنوع و توجه به نیروهای مختلف در شهر مواردی است که در طراحی شهری امروز از اهمیت فراوانی برخوردار است. تقسیم شهر به دو بخش اصلی و غیر اصلی چه در شهرهای موجود و چه در ساخت شهرهای جدید، ادراک شهر را آسان تر می نماید و ساختار اصلی امکان ارتباط میان بخش قدیمی و جدید را ایجاد می کند و هویت و انسجام شهر را رقم می زند. تقویت ساخت اصلی بخش های قدیمی مطابق نیازهای روز و ارتباط آن با ساخت اصلی جدید و همچنین ارتباط هر دوی آن ها با بخش غیر اصلی و توجه به خوانایی و هویت شهر و ارائه این دو از طریق ساختار اصلی را می توان از موارد با اهمیت و مفید برای طراحی شهری امروز قلمداد کرد.

مراجع

بحرینی، سید حسین (1389). تحلیل مبانی نظری طراحی شهری معاصر. انتشارات دانشگاه تهران
بیکن، ادموند (1376). طراحی شهرها. ترجمه فرزانه طاهری. انتشارات شهیدی
پاکزاد، جهانشاه (1389). سیر اندیشه ها در شهرسازی (2) از کمیّت تا کیفیت. انتشارات آرمانشهر
ریتزر، جورج (1384). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. نشر علمی
کرایب، یان (1388). نظریه اجتماعی مدرن "از پارسونز تا هابرماس". ترجمه عباس مخبر. نشر آگاه

Lévi-Strauss (1969), C. Totemism, Harmondsworth: Penguin
Luchinger, Adolf. (1981). Structuralism in architecture and urban planning: Kramer
URL1: www.team10online.org

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی
تربیه آموزشی

مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها
تربیه آموزشی

اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله
تربیه آموزشی

آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله